

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در تارنماهای روسیه  
نویسنده: تاریک سیریل آمار  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: علی کاظمی  
۱۶ اپریل ۲۰۲۵

## حمله راکتی سومی: جنگ، پروپاگندا و دورویی



State Emergency Service / Handout / Anadolu via Getty Images© Ukrainian

حمله روسیه به تجمع نیروهای نظامی اوکراینی، بلافاصله خوراک تهاجم اطلاعاتی علیه مسکو شده است.

\*\*\*\*\*

نوشته تاریک سیریل آمار، مؤرخ المانی که در دانشگاه کوچ استانبول بر روی روسیه، اوکراین و اروپای شرقی، تاریخ جنگ جهانی دوم، جنگ سرد فرهنگی و سیاست حافظه کار می‌کند.

در ۱۳ اپریل، روسیه حمله‌ای را به هدفی در شهر شرقی اوکراین، سومی، انجام داد. تمامی گزارش‌ها – غربی، اوکراینی و روسی – بر سر برخی حقایق اساسی توافق دارند: این حمله شامل دو راکت بالستیک بود؛ تعداد قابل توجهی از افراد کشته (بیش از ۶۰ نفر به گفته وزارت دفاع روسیه؛ بیش از ۲۰ نفر در گزارش‌های غربی و اوکراینی) و زخمی (بیش از ۱۱۰ نفر طبق گزارش‌های اوکراینی) شدند.

با این حال، فراتر از آن، مه غلیظ جنگ فرو نشسته است. یا بهتر بگوئیم، مه پروپاگاندا. رسانه‌ها و سیاستمداران غربی حمله روسیه را اساساً یک جنایت وحشیانه یا جنایت جنگی محکوم کرده‌اند. به عنوان مثال، نیویورک تایمز آن را حمله‌ای توصیف کرد که «صبح یکشنبه به مرکز شلوغ شهر اصابت کرد [...] و دستکم ۳۴ نفر را در آنچه به نظر می‌رسد مرگبارترین حمله به غیرنظامیان در سال جاری است، کشت.» فریدریش مرتس، صدراعظم آتی المان (که در ابتدای ماه مه سوگند یاد خواهد کرد)، در یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی کشورش، آنچه را «اقدامی خائنانه» و «جنایت جنگی جدی» خواند، محکوم کرد.

در ایالات متحده، کیث کلگ، فرستاده ویژه – اگرچه تا حد زیادی به حاشیه رانده شده – دونالد ترامپ برای روسیه و اوکراین، با استناد به تجربه خود به عنوان یک «رهبر نظامی سابق» که «هدف‌گیری را درک می‌کند»، حمله روسیه را «اشتباه» خواند و افزود که حمله «به اهداف غیرنظامی در سومی از هر خط نراکتی عبور می‌کند.» کیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، از «حملات وحشتناک روسیه به غیرنظامیان در سومی» «وحشت‌زده» است.

هم استارمر و هم امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، فرصتی برای فراخواندن به «تحمیل» آتش‌بس بر روسیه دیدند. مرتس، به نوبه خود، احساس کرد که بار دیگر باید درباره ارائه راکت‌های تاروس المانی به کییف صحبت کند. این واقعیت که اوکراین بر عدم رعایت آتش‌بس جزئی که رسماً برقرار است اصرار دارد، ظاهراً هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. همچنین، آشکارا، این واقعیت که نه فرانسه و نه بریتانیا ابزاری برای وادار کردن مسکو ندارند نیز بی‌اهمیت به نظر می‌رسد. این که استفاده از راکت‌های تاروس المانی برای حمله به، برای مثال، پل کرچ ممکن است بخوبی واکنش تلافی‌جویانه – کاملاً موجه – روسیه علیه اهداف المانی، چه در المان و چه در جای دیگر، را به دنبال داشته باشد، ظاهراً برای مرتس نیز بی‌اهمیت است.

می‌توان نمونه‌های بیشتری را اضافه کرد، اما این روند باید روشن باشد: در غرب، تقریباً همه موافقتند که حمله روسیه به سومی یک جنایت وحشیانه بود و در اتحادیه اروپا صحبت‌هایی وجود دارد – اگر خوش‌شانس باشیم، فقط همین خواهد ماند – مبنی بر استفاده از آن به عنوان بهانه‌ای برای تشدید بیشتر جنگ نیابتی که در آن اوکراین علیه روسیه به کار گرفته می‌شود.

با این حال، دو مشکل اساسی در این رویکرد تشدیدکننده وجود دارد: مهمتر از همه، این رویکرد نه بر اساس واقعیت‌ها، بلکه بر اساس اطلاعات نادرستی است که از رژیم کییف سرچشمه می‌گیرد و بدون انتقاد توسط رسانه‌های جریان اصلی غربی و بسیاری از رهبران سیاسی پذیرفته و با اشتیاق منتشر می‌شود.

اگرچه، در واقع، نه همه آنها. این دومین مشکل، به اصطلاح عملی، برای گروه تشدیدکننده است: قدرتمندترین چهره غربی در این بازی شرکت نمی‌کند. ترامپ روسیه را محکوم نکرده است. او این حمله را «وحشتناک» و «هولناک» خواند و ادعا کرد که به او گفته شده «آنها [احتمالاً منظور روسیه] اشتباه کرده‌اند.»

هر مبنائی (اطلاعات سیگنالی ایالات متحده؟ شنیده‌ها؟) که او برای این اظهارات دارد یا ندارد، از نظر سیاسی، نکته کلیدی اولین واکنش ترامپ این بود که او به طور آشکار از پیوستن به بقیه غرب در تشدید تنش خودداری کرد، در حالی که تأکید کرد که خود جنگ مسأله است و پایان دادن به آن راه حل.

رویکردی مشابه در بیانیه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس توسط مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، تأیید می‌کند که این یک اتفاق تصادفی نیست، بلکه سیاست ترامپ و بنابراین واشنگتن، حداقل در حال حاضر، است. رئیس‌جمهور امریکا به وضوح – و جای تعجب نیست – تصمیم گرفته است که تلاش متوقف و نامشخص اما همچنان

حداقل در حال انجام او برای دستیابی به عادی سازی روابط با مسکو مهمتر از پیوستن به آخرین کارزار تبلیغاتی علیه روسیه است.

ترمپ – که در خاورمیانه به طرز جنایتکارانه ای اشتباه می کند – در این مورد درست می گوید، حتی اگر اهداف بسیار عملگراییه ای را دنبال می کند. او همچنین، اتفاقاً، در اینجا به معنای اساسی تری درست می گوید، که ما را به مشکل شماره یک در برخورد جریان اصلی غرب با حمله سومی باز می گرداند: علی رغم سابقه بی پایان فریبکاری کییف، ادعای غرب مبنی بر این که حمله روسیه یک جنایت بوده است، بار دیگر فقط بر اساس همان منبع مبهم است. ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور تاریخ مصرف گذشته اوکراین، برای مثال، حمله «وحشتناک» به «یک خیابان معمولی شهر، زندگی معمولی» را تقبیح کرده است.

ماکرون، مرتس، استارمر، کلگ، نیویورک تایمز، تلگراف – تنها چند نمونه را نام ببریم – همگی از دروغ زلنسکی و کییف مبنی بر این که این یک حمله عمدی به غیرنظامیان بوده است، پیروی می کنند. با این حال، در واقعیت، روسیه به تجمع سربازان اوکراینی حمله کرده است. سربازان، بله، حتی در روز یکشنبه و همچنین در یکشنبه نخل، اهداف مشروع در درگیری مسلحانه هستند. حمله به آنها جنایت نیست.

این یک واقعیت حقوقی ابتدائی است که ریشه در حقوق درگیری مسلحانه دارد. و، وقتی ورق برمی گردد، غرب این را بخوبی می داند: هیچ کس در آنجا یک «جنایت جنگی» اوکراینی را محکوم نکرد، زمانی که توپخانه غربی کییف تقریباً ۱۰۰ سرباز روسی را که در جنوری ۲۰۲۳ در پشت خط مقدم در محل اقامت خود خوابیده بودند، نابود کرد.

در واقع، معدود رسانه ها و سیاستمداران اوکراینی که هنوز جرأت دارند علناً با رژیم عملاً اقتدارگرای زلنسکی مخالفت کنند، به وضوح می گویند که سربازان اوکراینی هدف بودند: وبسایت خبری بزرگ اوکراینی (نه روسی) Strana.ua گزارش داده است که مقامات اوکراینی سعی کرده اند در مورد مکان دقیق حمله روسیه مبهم عمل کنند، در حالی که، در عین حال، «اطلاعات بیشتر و بیشتری از منابع مختلف در حال ظهور است مبنی بر این که ارتش اوکراین هدف این حمله بوده است.»

به طور مشخص تر، ماریانا بژگلویا، نماینده پارلمان اوکراین، ایگور موسیچوک، نماینده سابق پارلمان (از نظر سیاسی در جناح راست افراطی و به هر حال قطعاً دوست مسکو نیست)، و یک شهردار محلی اظهار داشته اند که راکت های روسیه به مراسم اهدای جوایز تیپ ۱۱۷ دفاع ارضی، یک واحد اوکراینی که در منطقه می جنگد، اصابت کرده است. اتهامات جدی نیز وجود دارد، اما نه صرفاً علیه روسیه. بلکه مقامات محلی و مرکزی اوکراین زیر آتش انتقاد قرار دارند: موسیچوک و بژگلویا حدس می زنند که نیروهای روسی احتمالاً از طریق آنچه فقط می توان سهل انگاری جنایتکارانه توصیف کرد، یعنی دعوت نامه های بدون محافظت به مراسم، از هدف مطلع شده اند. موسیچوک، علاوه بر این، محکوم می کند که برگزارکنندگان غیرنظامیان، از جمله کودکان را دعوت کرده بودند. و او نه تنها به سهل انگاری بلکه به انگیزه های بسیار مشکوک نیز گمان دارد. او معتقد است که یک سیاستمدار محلی و یک نماینده پارلمان – اتفاقاً از حزب خدمتگزار مردم زلنسکی – از این مراسم نظامی به عنوان یک «اقدام روابط عمومی» استفاده می کردند، و امیدوار است که «آشغال ها و پست فطرت ها»، آنگونه که او آنها را می نامد، دستگیر شوند.

وزارت دفاع روسیه، در همین حال، اعلام کرده است که این حمله جلسه فرماندهان اوکراینی را هدف قرار داده است. مراسم اهدای جوایز به نیروها، جلسه افسران، یا شاید هر دو – از هر زاویه ای که به آن نگاه کنید، این یک هدف نظامی بود.

بیانید یک چیز را صریحاً بیان کنیم: تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی شده‌اند، و بله، آنها شامل غیرنظامیان و کودکان نیز می‌شوند. این وحشتناک است، اما دقیقاً موضوع بهره‌برداری سیاسی ارزان برای بدتر و طولانی‌تر کردن جنگ نیست. از آنجائی که این یک درگیری مسلحانه است، روسیه حق حمله به نیروهای اوکراینی را دارد، همانطور که اوکراین حق حمله به نیروهای روسی را دارد.

نکته دیگری که واضح است این است: کسانی که تظاهر می‌کنند این یک حمله عمدی به غیرنظامیان بوده است، یا در حال انتشار اطلاعات نادرست هستند یا اطلاعات نادرست به آنها داده شده است، یا هر دو. این احتمال وجود دارد که فرماندهان روسی احتمال کشتن و زخمی کردن غیرنظامیان را در نظر نگرفته باشند؛ این احتمال وجود دارد که آنها آن را در نظر گرفته باشند اما تصمیم گرفته باشند که این خطر متناسب با سود نظامی مورد انتظارشان بوده است. این نوع تفکر، باز هم، بخشی از حقوق درگیری مسلحانه است. آنها ممکن است اشتباه کرده باشند، و منتقدان می‌توانند اگر بخواهند در این مورد بحث کنند. اما این یک کشتار غیرنظامیان نبود، بلکه اساساً یک حمله نظامی بود.

کسانی در غرب که می‌خواهند وانمود کنند غیر از این بوده است – این را نیز باید گفت – همان سیاستمداران و رسانه‌های جریان اصلی هستند که به طور فعالانه در کنار اسرائیل قرار گرفته‌اند در حالی که اسرائیل یک سلسله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی مداوم، به طرز تکان‌دهنده خشونت‌آمیز و منحرف علیه فلسطینی‌ها و همچنین همسایگانش در لبنان و سوریه مرتکب شده است.

برای مثال، مرتس از المان، برای محکوم کردن حمله روسیه به سومی، سخنان قاطع و نادرستی یافت، و بار دیگر تهدید می‌کند که راکت‌های المانی را به کییف خواهد داد. این همان مردی است که می‌خواهد بنیامین نتانیاهو، جنایتکار جنگی تحت تعقیب بین‌المللی را به برلین دعوت کند. دورویی نفس‌گیر است، اما تعجب‌آور نیست.

۱۵ اپریل ۲۰۲۵